

سید جلال ساداتیان مطرح کرد
بازگشت مکانیزم ماشه یعنی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل
 کسی که اسنپ بک را کاغذ باره می‌نامد هیچ دانشی ندارد

یک تحلیلگر مسائل بین الملل درخصوص عدم تغییر مواضع ایران در قبال اروپایی‌ها درخصوص مذاکره اظهار داشت: اینکه چرامواضع ایران تغییر نکرده است را خود وزارت خارجه و شخص آقای عراقچی باید پاسخگو باشد. من به عنوان تحلیلگر مواردی را تحلیل می‌کنم که ممکن است در واقعیت تحلیل‌های داخلی و آنچه در ذهن آنهاست، تطابق داشته باشد یا نداشته باشد. وقتی پیش شرط‌هایی را تعیین می‌کنند بر اساس تجارب و اتفاقاتی است که پیش آمده است. تجاربشان می‌گوید که آقای ترامپ گفته است باید مذاکره کنیم، پنج دور هم مذاکره کرده‌ایم و در آستانه دور ششم اسرائیل به ما حمله کرده است. سید جلال ساداتیان گفت: این حمله با هماهنگی آمریکا بوده یا خیر؟ اگر با هماهنگی آمریکا بوده یعنی فریب، دروغ و نیرنگی که آنها به کار بردند، اما اگر با هماهنگی آنها نبوده، چطور آمریکا انقدر آلت دست اسرائیل است که خود را در معرض این قضایا قرار می‌دهد و نه تنها هیچ محکومیتی هم متوجه این حمله نمی‌کند بلکه در ادامه کار او را هم مورد حمایت قرار می‌دهد و خودش هم حمله می‌کند؟ وی افزود: به باور من موضعی که وزیر خارجه ایران می‌گیرد برای روشن کردن هرچه بیشتر موضع مدبرانه یا منفعلانه آمریکاست تا این امر بتواند در مقابل دید جهانیان قرار دهد. همچنین از جهت کار خود هم بتواند این ضمانت را بگیرد که ایران مجدد مورد حمله واقع نمی‌شود. البته ضمانت آنها قابل اتکا نیست ولی به عنوان شخصی که دارد مذاکره می‌کند، بر این امر تاکید می‌کند تا دوباره از یک سوراخ گریزه نشود. اما درمورد تاکید جمهوری اسلامی بر غنی‌سازی باید بگویم که این بحث فراز و نشیب‌های فراوانی را به خود گرفته است. اول اینکه جمهوری اسلامی پیش از مذاکرات دنبال این بود که حق هسته‌ای، برد موشکی و مسائل منطقه‌ای مورد بحث قرار گیرد. اما در دور دوم مذاکرات در رم، آقای ویتکاف با ایران توافق کرد که فقط روی موضوع هسته‌ای تمرکز کنند. در بحث هسته‌ای هم تا دور چهارم درباره اینکه ایران غنی‌سازی خود را در چارچوب برجام داشته باشد، هیچ مشکلی نبود. اما در دور چهارم طرف مقابل روی غنی‌سازی صفر تاکید کرد و این نشان داد که ناشی از فشارهای لابی اسرائیل بر آمریکاست. الان هم به نظر می‌آید به نوعی توافق رسیده‌اند که غنی‌سازی ۶۰ درصدی که در داخل ایران و بناظرات‌های بین المللی انجام می‌شد، موقتاً تعلیق شود. این البته پیشنهاد طرف مقابل بوده که اگر هم چیزی مورد نیاز باشد از سمت روسیه تامین شود و میزان ۴۹ یا ۴۰ کیلوپیو که ما غنی‌سازی ۶۰ درصدی داریم به روسیه انتقال پیدا کند. البته تاکید می‌کنم که اینها پیشنهادی است که آمریکایی‌ها در گفت‌وگوهای پشت پرده مطرح کرده‌اند. اما تاکید موقت ایران بر این است که غنی‌سازی باید زیر نظر خودمان باشد و شما می‌توانید به ایران بیاید و نظارت داشته باشید.

➤ **اروپا دنبال جایگاه**

سفیر اسبق ایران در انگلیس بیان کرد: این دور از مذاکرات که قرار است از سر گرفته شود، حول دو محور اصلی خواهد بود: به این معنا که ایران، در واکنش به عدم پایبندی طرف مقابل به تعهداتش، به تدریج سطح غنی‌سازی ۴۰ و ۶۰ درصدی را افزایش داده، از سانترفیوژهای پیشرفته استفاده کرده و در نهایت نیز اجازه بازرسی‌ها را نداد. در همان چهار دور اول مذاکرات با «ویتکاف» توافق شده بود که این اقدامات در قالب یک سازوکار تدریجی و در ازای رفع تحریم‌ها متوقف شود. ساداتیان اظهار کرد: اکنون که مذاکرات جدید در آستانه آغاز شدن است، باید دید ایران در ازای چه امتیاز یا تعهد مشخصی، حاضر به عقب‌نشینی از این اقدامات خواهد شد و طرف مقابل چه تعهداتی را اجرا خواهد کرد. وی در خصوص ضرب الاجل اروپایی‌ها به ایران ابراز کرد: اروپا یک ضرب‌الاجلی به ایران داده و الان هم ظاهر اتفاق کرده‌اند که در چین این گفت‌وگوها ادامه پیدا کند. خبری هم منتشر شده مبنی براینکه ترامپ به اروپا دستور داده که روند مکانیسم ماشه را متوقف کنند تا نتیجه مذاکرات مامشخص شود. البته من نمی‌دانم چه قدر این خبر صحت دارد ولی من هم فکر می‌کنم اروپایی‌ها این ضرب‌الاجل را مطرح کردند تا سهم و جایگاه خود در این مذاکرات را مشخص کنند. به نظر نمی‌آید آنها تنها صرف آمریکا باشند چرا که به اندازه کافی دلخوری‌هایی از آمریکا در مورد اوکراین و نحوه حمایت‌هایی که از اروپایی‌ها دربرپا شده، دارند. اینکه ترامپ گفته ما به اروپا دستور دادیم که روند مکانیسم ماشه را فعلاً متوقف کند، جای تامل دارد. یک مقدار ابهاماتی در این مسئله وجود دارد ولی بی‌تردید اروپایی‌ها هم دنبال این هستند که نقش خود را در بازی اوکراین و ایران ایفا کنند. این تحلیلگر مسائل بین الملل در خصوص اینکه برخی می‌گویند فعال شدن مکانیسم ماشه اثر ملموسی بر اقتصاد کشور ندارد ندان عنوان کرد: حرف غلطی است چرا که آنچه تاکنون تحت عنوان تحریم آمریکاییا اروپا بوده را برخی کشورها از جمله چین و روسیه، خود را مجبور به اطاعت از آن نمی‌کردند. بزگشت مکانیسم ماشه یعنی همه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران امضا شود، یعنی آن ۶۰ قطعنامه‌ای که اترشان خنثی شده بود دوباره فعال می‌شوند و به موجب آن مادیل فصل هفتم تحریم، سازمان ملل قرار می‌گیرد که دیگر هیچ کشوری نه تنها جرأت همکاری با ایران را ندارد بلکه موظف است در تحریم‌ها شرکت کند. انهایی که چنین حرف‌های مهملی را مطرح می‌کنند، هیچ علمی ندارند.

دوشنبه
 ۳۰ • ۰۴ • ۱۴۰۴
 ۲۵ محرم ۱۴۴۷ / ۲۱ جولای ۲۰۲۵

سال هشتم
 شماره ۲۱۵۹

ناصر ایمانی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

مذاکره بدون چارچوب فاقد کارایی است

دیپلماسی و جنگ، ابزار تامین منافع ملی

نیازمند مراقبت بیشتر در گفتار و رفتار هستیم

آرمان ملی - سیاوش پورعلی: همچنان که در ادوار گذشته هم مشاهده می‌کنیم روند نگرش‌ها و دیدگاه‌ها در مورد مسائل داخلی و خارجی را می‌توانیم به ۲ دسته تقسیم کنیم که در یکسو یک طیف به شدت موافقت می‌کنند و در سوی دیگر طیفی به شدت بر ساز مخالفت می‌نوازند تا در ادامه با یک فضای ۲ قطبی رویه‌رو هستیم که البته یکی از اصول دموکراسی را هم باید همین مورد بدانیم ولی این می‌تواند در شرایط عادی نمود پیدا کند و در ادامه اگر طرف‌ها تماایل داشته باشند در یک محیط گفتمانی به تحلیل و ارزیابی نظرات یکدیگر بپردازند. تا در این مسیر بتوانند چالش‌ها و دشواری‌هایی که برای منافع ملی وجود دارد را برطرف کنند. با توجه به این تعریف کوتاه باید به اکنون جامعه ایران بپردازیم که بیش از یک ماه است وارد جنگی تحمیلی شده است و با دشمنان غربی که هم از نظر دیپلماسی و از نظر

➤ **باتوجه به شرایط منطقه و اینکه هر روز در خاورمیانه شاهد درگیری‌های جدید و سریالی هستیم، در داخل کشور شاهد برخی رفتارهای آغشته به تندروی هستیم، این رفتارها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در ابتدا باید به این مورد اشاره کنم که در وضعیت کنونی کشور، ضروری است که همه جناح‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با دقت و مسئولیت‌پذیری نسبت به مسائل سیاسی و ملی اظهارنظر کنند. متأسفانه، در برخی محافل سیاسی، مفهوم «تندروی» به یک ابزار جناحی تبدیل شده است و به‌گونه‌ای که هر فردی که انتقادی را مطرح می‌کند، بلافاصله با این برچسب مواجه می‌شود و او را در دسته تندروها تقسیم‌بندی می‌کنند. تا زمانی که تندروی را صرفاً از زاویه جناحی ببینیم، امکان مدیریت و کاهش آن در سطح ملی وجود نخواهد داشت. در فضای پرچالش کنونی کشور که به نوعی می‌توان آن را شرایطی شبه جنگی و نیازمند انسجام ملی دانست، هرگونه اقدام یا اظهارنظر نسنجیده علیه نهادهای قانونی کشور اعم از دولت یا مجلس، اقدامی نادرست تلقی می‌شود. لازم است همه افراد و جریان‌های سیاسی با درک شرایط حساس موجود، در بیان دیدگاه‌های خود جانب احتیاط، دقت و انصاف را رعایت کنند تا هم انسجام مورد اشاره حفظ شود و هم در تقابل با دشمن شرایط مناسبی را داشته باشیم.

➤ **به این مورد اشاره کردید که نباید به موضوع تندروی به صورت جناحی نگاه کرد. اگر بخواهیم کمی جزئی‌تر به این مورد بپردازیم به چه مواردی باید توجه داشته باشیم؟** همان‌گونه که برخی جریان‌های تندرو از طیف اصول‌گرا فشارهایی را متوجه دولت کرده‌اند و همچنان به روند خود ادامه می‌دهند باید به سمت دیگر فضای سیاسی ایران هم اشاره‌ای داشته باشیم. متأسفانه جریان‌هایی از طیف اصلاح‌طلب نیز با انتقادات تند و گاه غیرمنصفانه بر روند موجود فشار وارد می‌کنند. در حالی که اگر همه به این اصل پایبند باشیم که سیاست خارجی، مسائل نظامی و امنیت ملی در چارچوب سیاست‌های کلان و در حوزه اختیارات شورای عالی امنیت ملی و مقام‌رهبری تعیین می‌شود، روشن است که انتقادات مستقیم یا غیرمستقیم به این حوزه‌ها، نه تنها کارساز نیست، بلکه موجب تضعیف انسجام ملی می‌گردد و چالش‌هایی را در سطح جامعه و فضای سیاسی به وجود می‌آورد.

➤ **در این بین برخی از این تندروها چه اصلاح‌طلب و چه اصولگرا معتقدند که قصد تخریب ندارند و تنها می‌خواهند نقدی بر عملکرد داشته باشند، این مورد را چگونه باید تفکیک کرد؟**

همواره به این موضوع اشاره کرده‌ام که اظهارنظر آزاد در کشور محفوظ است، اما باید تفاوت میان نقد سازنده و تندروی آسیب‌زا را درک کرد. باید اجازه دهیم کشور از این مرحله حساس عبور کند و وحدت و همدلی ملی تقویت شود. در شرایط عادی نقد و اظهارنظر آزاد می‌تواند با قوت ادامه پیدا کند، اما امروز نیازمند مراقبت بیشتر در گفتار و رفتار هستیم.



نظامی دست بالاتر را دارند وارد یک دویمینوی نظامی - دیپلماسی شده است و هم باید در میدان با آنها رویه‌رو شود و هم باید پشت میز مذاکره بتواند با تمرکز حاضر شود. از این رو شاهده یک فضای دو قطبی در مورد آنچه مذاکره نامیده می‌شود هستیم. در یکسو می‌بینیم که طیفی با شدت مذاکره را محکوم می‌کنند و در مقابل طیف دیگری هم هستند که تنها راه حفظ منافع ملی را دیپلماسی و مذاکره عنوان می‌کنند. در این مورد که در این شرایط آنچه تندروی خوانده می‌شود چه چالش‌هایی را به همراه دارد یا (ناصر ایمانی) گفت‌وگویی انجام داده‌ایم. این تحلیلگر سیاسی در این مصاحبه معتقد است که دیپلماسی و جنگ هر دو برای یک کشور نیاز است و اکنون باید به هر دو آنها توجه داشته باشیم. او همچنین در ادامه وضعیت دیپلماسی را ارزیابی خواهد کرد. در این مورد بیشتر می‌خوانید.

➤

پیش از بازگشت به میز مذاکره باید به این

پرسش‌ها پاسخ داد که موضوع مذاکره

چیست؟ و چه دستور کاری باید پیگیری

شود؟ بدون پاسخ دقیق به این پرسش‌ها،

اصرار بر مذاکره بیشتر جنبه شعاری

خواهد داشت

➤

در این مورد می‌توانیم به اختلاف‌های کنونی اشاره

کنیم، طیفی تلاش دارند تا تاکید کنند تا جمهوری اسلامی

هرگز به سمت مذاکره با آمریکا و غربی‌ها نرود و در سوی

دیگر طیف دیگر اصرار دارد که همچنان باید مسیر

دیپلماسی را دنبال کنیم، حالا معنای دیپلماسی و مذاکره

چه هدفی را دنبال می‌کند؟

مذاکره یک هدف در ذات خود نیست. نباید مذاکره را

ایدئولوژیک کرد. متأسفانه در فضای سیاسی کشور، گاهی

مذاکره را به عنوان امری مطلق و همیشگی مطرح می‌کنند،

گویى در هر شرایطی باید به مذاکره پرداخت. حال آنکه در

برخی مقاطع، مذاکره می‌تواند برخلاف منافع ملی باشد و

باید با احتیاط با آن برخورد کرد. همان‌گونه که جنگ نیز در

همه شرایط راه حل مناسبی نیست. مذاکره زمانی مطلوب

و مشروع است که در خدمت منافع ملی باشد و دستور کار

مشخص، روشن و هماهنگی کامل با سیاست‌های کلان

کشور داشته باشد. از این رو، بیش از بازگشت به میز مذاکره

باید به این پرسش‌ها پاسخ داد که موضوع مذاکره چیست؟ و

چه دستور کاری باید پیگیری شود؟ بدون پاسخ دقیق به این

پرسش‌ها، اصرار بر مذاکره بیشتر جنبه شعاری خواهد داشت

تا راهبردی و ملی.

➤

در این وضعیت و با این اعتمادها به آنچه دیپلماسی

خوانده می‌شود کمرنگ شده است، چه مواردی در

دستگاه دیپلماسی باید مورد توجه قرار بگیرد؟

➤

در شرایط پیچیده و پرتنش کنونی، طرح

موضوع مذاکره بدون توجه به واقعیت‌های

میدانی و سیاسی، نه تنها راهگشا نیست،

بلکه ممکن است موجب ساده‌سازی یک

مسأله بسیار مهم و راهبردی شود

➤

مؤلفه‌هاست.

غلامعلی جعفرزاده:

تندروها ستاد ناراضی‌سازی مردم را تشکیل دادند

جعفرزاده تصریح کرد: در تمام ۱۲ روز جنگ، برخی از نمایندگان تندرود در صحنه حاضر نبودند. ای کاش شجاعت داشتند و با شده شبانه تشکیل یک «کمیته مردم‌آزاری» در ذهن افکار آرام گرفت، دوباره سروکله‌شان پیدا شد و به میدان عربده‌کشی بازگشتند. وقت آن است که با این گروه صریح و بی‌پرده سخن گفت و رودربایستی را کنار گذاشت. وی تاکید کرد: مردم با وجود برخی کم‌لطفی‌ها، در روزهای سخت پای نظام ایستادند، اما حالا که زمان قدردانی و همدلی است، فشارها و دوچندان شده است. دشمن پس از آتش بس به دنبال ناراضی‌سازی مردم رفته و متأسفانه تا حدی هم موفق بوده، چون به جای دلجویی، برخی با رفتارهای شان به مردم توهین می‌کنند. تندروها، تغییر داده و به جای حمله نظامی، به دنبال تخریب سرمایه اجتماعی و تولید ناراضیاتی است؛ ناگهان قیمت اینترنت، تلفن، برق، لیت هویلیمو... افزایش می‌یابد. برخی دوباره بر رسانه‌ها چنبره زده‌اند و افرادی در تریبون‌ها ظاهر می‌شوند که با موضع‌گیری‌هایشان فقط بر زخم مردم نمک می‌پاشند. ناعدالانه است و هم خطرناک.

سیاست

دره‌بین

اضافه شدن آمریکا، معادلات چندمجهولی قفقاز را پیچیده‌تر می‌کند

زنګه‌زور، روی نقطه جوش منطقه‌ای

روزهایی که ایران در التهاب جنگ و آتش بس می‌سوخت و اکنون نیز تب مذاکره و آنچه می‌تواند پیش‌رو باشد، تهران را فرا گرفته، اما گویا منطقه قفقاز نیز چندان آرام نبود. التهاب البته حالا دیگر سال‌هاست که با قفقاز عجین شده، اما به نظر می‌رسد فصل جدیدی در این منطقه پراشوب در حال نوشته شدن است. اقتصاد ۲۴ نوشت؛ چنان که وقتی منطقه قفقاز جنوبی همچنان صحنه تنش‌ها و بازی‌های ژئوپلیتیکی پیچیده است، طرح جدیدی که آمریکا برای کنترل کریدور ۳۲ کیلومتری «زنګه‌زور» ارائه کرده، می‌تواند فصل تازه‌ای در منازعات منطقه‌ای باز کند. این طرح که به ظاهر می‌گوشد به حل مناقشه دیرینه میان باکو و ارمنستان کمک کند، از سوی ایران به شدت رد شده و مورد مخالفت صریح تهران نیز قرار گرفته و به زعم بسیاری حتی تلاشی برای دور زدن حاکمیت ملی کشور‌های دخیل در منطقه و از جمله دستکاری در مرز ایران و ارمنستان است «میدل ایست‌آی» نیز گزارش کرده که آمریکا پیشنهاد داد که کنترل دالان مورد اختلاف میان ارمنستان و باکو را در دست بگیرد تا به پیشرفت مذاکرات دیپلماتیک متوقف شده میان ۲ کشور کمک کند. ارمنستان در مقابل، اما هرگونه گفت‌وگو درباره «واگذاری کنترل بر قلمرو خود» به کشور ثالث وارد کرده است. طرح کنترل صدساله دالان زنګه‌زور توسط آمریکا، به رغم ظاهر سازش‌جویانه، در واقع تلاشی برای تحمیل نفوذ جدید و تغییر معادلات ژئوپلیتیکی در قفقاز است که می‌تواند ثبات منطقه و امنیت ملی ایران را به مخاطره بیندازد و مخالفت قاطع ارمنستان و ایران با این طرح، نمایانگر تلاش برای حفظ حاکمیت ملی است.

➤ **قفقاز و نفوذ آمریکا**

اما اکنون در شرایطی که روسیه به عنوان بازیگر اصلی منطقه در سال‌های گذشته نقش میانجی و کنترل‌کننده را ایفا می‌کرد، ضعف نسبی این کشور در اثر تحولات بین‌المللی، به ویژه جنگ اوکراین، گویا فرصتی برای آمریکا فراهم آورده تا نفوذ خود را در این بخش از جهان افزایش دهد. پیشنهاد آمریکا برای واگذاری کنترل کریدور زنګه‌زور به یک شرکت خصوصی، در واقع تلاشی برای ایجاد نفوذ مستقیم در مسیرهای استراتژیک منطقه است که می‌تواند منافع بلندمدت واشنگتن را تضمین کند. این حرکت در شرایطی مطرح شده که ایران و ارمنستان به صراحت مخالفت خود را با هرگونه تغییر مرز‌ها و حاکمیت منطقه‌ای اعلام کرده‌اند. رویکرد همگرایی و حفظ اتحاد منطقه‌ای با کشورهای همسوا، از جمله روسیه و ارمنستان، از کلیدهای موفقیت تهران در مورد زنګه‌زور و عدم پذیرش هرگونه تغییر ژئولیتیک در مرز‌ها است. همچنین، واکنش سختگیرانه و هوشیارانه ایران در برابر هرگونه اقدام تغییر مرز‌ها، پیام روشنی به واشنگتن و باکو خواهد بود که تهران حاضر به پذیرش این نوع طرح‌ها نیست. چنان‌چه تهران به طور ویژه نگرانی جدی از تضعیف موقعیت خود در مرز شمال غربی کشور دارد و این طرح را خطری برای ثبات منطقه و حاکمیت ملی ایران دانند. تاکید رهبر جمهوری اسلامی ایران بر این مهم که هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز بدون موافقت ایران قابل قبول نیست و حفظ تمامیت ارضی کشور‌های همسایه برای تهران یک اصل غیرقابل معامله است نیز به نوعی بر همین نگرانی جدی تکیه دارد و مخالفت صریح با طرح کنترل کریدور زنګه‌زور نشان دهنده نگرانی عمیق تهران نسبت به احتمال تغییر معادلات مرزی و ایجاد فشار‌های جدید امنیتی و سیاسی است. اکنون نیز در وضعیت‌ی که ایران هم‌زمان درگیر مدیریت بحران‌های داخلی، از جمله جنگ ۱۲ روزه اخیر و پیغام‌های آتش بس در منطقه و مساله فعال شدن مکانیسم ماشه توسط اروپایی‌هاست، این موضوع می‌تواند چالشی جدی برای دستگاه دیپلماسی و امنیت ملی کشور باشد. این دستکاری در شرایطی اکنون ممکن است در مرز‌های جنوبی ایران رخ بدهد که، آمریکا در اقدامی بی‌سابقه به طور مستقیم به ایران حمله نظامی کرده است. این حمله هر چند محدود تجاوز به خاک ایران بوده و در چنین موقعیتی حضور یک شرکت آمریکایی احتمالاً از مجموعه دولت آمریکا در مرز‌های شمالی ایران بدون تردید ابدا خوش آیند تهران نیست. تجربه‌های دیگر در چنین مواردی نشان داده که بهانه حضور آمریکایی‌ها برای کنترل این گذرگاه، احتمالاً منجر به ایجاد پایگاه نظامی آنها در این منطقه خواهد شد؛ مساله‌ای که تهران به شدت با آن مخالف است و احتمالاً در این مورد خاص کرملین هم با آن موافقتی ندارد.

➤ **سناریوهای پیش‌رو**

حال با توجه به تحولات فعلی، ایران شاید گزینه‌های محدودی در برابر این طرح‌های جاه‌طلبانه آمریکایی‌ها دارد، اما همچنان می‌تواند از طریق دیپلماسی فعال، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با ارمنستان و سایر همسایگان، و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی، فشار‌های احتمالی برای تغییر حاکمیت در منطقه را کاهش دهد. رویکرد همگرایی و حفظ اتحاد منطقه‌ای با کشورهای همسوا، از جمله روسیه و ارمنستان، از کلیدهای موفقیت تهران در این حوزه است. همچنین، واکنش سختگیرانه و هوشیارانه ایران در برابر هر گونه اقدام تغییر مرز‌ها، پیام روشنی به واشنگتن و باکو خواهد بود که تهران حاضر به پذیرش این نوع طرح‌ها نیست. طرح کنترل صدساله دالان زنګه‌زور توسط آمریکا، به رغم ظاهر سازش‌جویانه، در واقع تلاشی برای تحمیل نفوذ جدید و تغییر معادلات ژئوپلیتیکی در قفقاز است که می‌تواند ثبات منطقه و امنیت ملی ایران را به مخاطره بیناندازد. مخالفت قاطع ارمنستان و ایران با این طرح، نمایانگر مقاومت پایدار ملت‌ها و دولت‌های منطقه در برابر مداخلات خارجی و تلاش برای حفظ حاکمیت ملی و خارجی، باید با درایت و همکاری منطقه‌ای از مرز‌های خود و ثبات قفقاز جنوبی دفاع کرد تا فرصت نفوذ آمریکا و هم‌پیمانان آن را محدود سازد.